

erledigt لغت شب Wort der Nacht

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 25, 2016

erledigt یک صفت می باشد

خسته و کوفته ، از پا افتاده ، از رمق رفته ، از نفس افتاده

Einen erledigten Eindruck machen

یک ظاهر از رمق رفته را ساختن

Ganz erledigt sein

کاملاً خسته و کوفته بودن

صفت های زیر نیز می توانند به معنی خسته ، کوفته و ... استفاده شوند :

übermüdet یک صفت می باشد

خسته ، کوفته ، از حال رفته ، بی رمق

Ich war total übermüdet

من کلاً از حال رفته بودم

من کلاً بی رمق بودم

niedergeschlagen یک صفت می باشد

دلشکسته ، خسته ، افسرده ، محنت زده ، مصیبت دیده ، اندوهگین

Er war niedergeschlagen bei dem Gedanken

او از فکر و خیال خسته و افسرده بود

abgeschlagen یک صفت می باشد

خسته ، کوفته ، از نا افتاده ، حریفی که از بازی حذف شده است

Ich bin völlig abgeschlagen

من کاملاً از نا افتاده هستم

müde یک صفت می باشد

خسته ، از پا افتاده ، بی رمق ، کوفته ، غمگین ، ملول ، افسرده ، گرفته خاطر ، ضعیف ، قلیل ، کم ، اندک ، خفیف

Die müden Kinder ins Bett bringen

بچه های خسته و کوفته را به تخت بردن

abgespannt یک صفت می باشد
بی حال ، ناتوان ، از نا افتاده ، خسته

Er sieht abgespannt aus
او بی حال و ناتوان به نظر میرسد

موفق باشید. ?

? Viel Erfolg